

درباره فرعی شهید شوشتری^{۱۰} که مشهدی‌ها آن را با نام کوچه «حاج ابرام» می‌شناسند

یادگاری ۲۰۰ ساله بانشانه‌های وقف



ساختمان قدیمی کوچه حاج ابراهیم در انتهای فرعی شهید حسینی



نمایی از کوچه حاج ابراهیم از سمت شارستان شهید شوشتری



نمای کوچه حاج ابراهیم از سمت فرعی سالاری مقدم

رضا سلیمان نوری ! بسیاری از گذرهای شهرهای کوچک و بزرگ و حتی روستاهای ایران – حداقل از آن زمان که نویسندگان برای ثبت وضعیت گذرها و جغرافی‌دانان برای ترسیم نقشه‌های مختلفش تلاش کردند- به نام بزرگانی که روزگاری در آن گذر ساکن بودند، نام‌گذاری شده است. این نوع نام‌گذاری آن چنان مورد پسند مردم بوده است که برخی اوقات باوجود نابودی تمام آثار منتسب به آن فرد یا حتی تغییر نام توسط مدیران شهری، همچنان به همان نام خوانده می‌شود. کوچه نواب صفوی^{۱۰}(شهید شوشتری^{۱۰} فعلی)، نمونه‌ای از این گذرها محسوب می‌شود که از حدود دویست سال پیش به نام مالک خیر و واقف حمام موجود در این مسیر، به نام «کوچه حاج ابراهیم» یا به روایت مشهدی‌ها، «حاج ابرام» شناخته می‌شود.

نام‌های کوچه حاج ابراهیم در گذر زمان

کوچه حاج ابراهیم مانند بیشتر کوچه‌های قدیمی در طول عمر بلند خود(براساس اطلاعات موجود به بیش از دویست سال می‌رسد) نام‌های بسیار مختلفی را به خود دیده است. حاج ابراهیم یاآن‌گونه که مشهدی‌ها آن را خلاصه می‌کنند، «حاج ابرام»، قدیمی‌ترین اسم شناخته‌شده این کوچه است که هنوز هم بیشتر مردم، آن را به این نام می‌شناسند؛ نامی که دلیلش سکونت والته حمام‌داری یکی از قدیمی‌های پایین خیابان در این کوچه بوده است. «صفوی^{۱۰}» نام دیگری است که کوچه حاج ابراهیم به آن شناخته می‌شود. این نام از زمان نصب نخستین تابلوهای معرفی کوچه‌های شهر توسط شهرداری در ابتدای کوچه(از مسیر پایین خیابان) نصب شده است. درحالی‌که بر دیوار انتهای کوچه(تقاطع آن با کوچه قراولخانه سابق)، همچنان نام حاج ابراهیم برای کوچه ثبت شده بود.

نام صفوی^{۱۰} اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به «نواب صفوی^{۱۰}» تغییر یافت و این نام و البته اسم «پایین خیابان^{۱۰}» تا هنگام آغاز طرح نوسازی اطراف حرم مطهر و تخریب بخش ابتدایی این

حاج ابراهیم در دوران پهلوی‌ها

در دو دهه نخست حکومت پهلوی‌ها بر ایران، کوچه‌های این محدوده، دچار تغییرات بسیاری شدند؛ براساس نقشه‌های موجود از آن زمان، ازجمله نقشه سال ۱۳۳۳ خورشیدی مشهد درطول این دوران، هرچنداز طول وعرض کوچه‌کاسته‌نشده است، تعداد فرعی‌های آن در هر دو جهت افزایش پیدا کرده‌اند؛ امری که مهم‌ترین دلیل آن، تقسیم پلاک‌های بزرگ موجود در این کوچه به پلاک‌های کوچک و کوچک‌تر بوده است. کوچه حاج ابراهیم در نقشه سال ۱۳۳۳، راسته کوچه‌ای دارای^{۱۰}فرعی ترسیم شده است که به‌طور مساوی در دو جهت شرقی و غربی از کوچه منشعب می‌شده‌اند.

خاندان‌های شاخص کوچه حاج ابراهیم

کوچه حاج ابراهیم در طول عمر خود، میزبان خاندان‌های مشهور بسیاری بوده است. اگر از شخص حاج ابراهیم بگذریم که با وقف بخشی از درآمد حمام خود برای سیدالشهدا^{۱۱}، نامش را تا همیشه ماندگار کرده است، باید از علی اصغر میرخدییو، شاعر و هنرمند برجسته طنز مشهد، به عنوان مشهورترین چهره ادبی ساکن کوچه یاد کنیم. خاندان ناظران پور که ناظران جوی آب خیابان مشهد بودند، هم دوره‌ای در این کوچه زندگی کردند و اکنون محمود

حاج ابراهیم تا پایان دوران قاجار

کوچه حاج ابراهیم براساس آنچه از اسناد موجود در گنجینه اسناد آستان قدس رضوی می‌توان استنباط کرد، عمری بیش از دویست سال دارد. در یکی از اسناد موجود در این مجموعه، به ملکی در مجاورت حمام حاج ابراهیم اشاره شده که در دهه‌های نخستین دوران حکومت قاجارها بر ایران، درآمد آن خرج زائران امام رضا^{۱۲} می‌شده است. به روایت بهتر، براساس این سند، عمر حمام حاج ابراهیم و در نتیجه کوچه مجاور آن، حداقل به دوران فتحعلی‌شاهی بازمی‌گردد. نقشه ترسیم شده توسط دالمج در سال ۱۲۴۸ خورشیدی نیز بر این واقعیت، مهر تأیید می‌زند.

در این نقشه، کوچه حاج ابراهیم پس از کوچه «پای پهره» و «ساربان‌ها»، سومین کوچه منشعب از پایین خیابان پس از برج وباروی شهر است

کوچه حاج ابراهیم پس از انقلاب اسلامی

ساختار فیزیکی کوچه حاج ابراهیم ازمنظر تعداد فرعی‌ها در نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاآغاز طرح نوسازی اطراف حرم مطهر، تغییر خاصی را به خود ندیده است. دراین دوره، بزرگ‌ترین تغییر فیزیکی ساختاری رخ داده در کوچه، تغییر وضعیت بیشتر پلاک‌های آن از مسکونی به اقامتی و زائری و همچنین تقسیم برخی پلاک‌های بزرگ است.

بنای فاطمیه نیز در این دوران، دیگر آن کاربری سابق را نداشت و تبدیل به محل آموزش دختران مهاجر افغانستانی ساکن مشهد شده بود، البته سال ۱۳۶۹ دو مین بنای آموزشی کوچه یعنی دبستان «نصرا... اخگر» در پلاکی که وی به همین منظور وقف کرده بود، ساخته شد. همچنین سال ۱۳۶۷ درست در تقاطع کوچه حاج ابراهیم و کوچه قراولخانه که در این دوران به ترتیب به کوچه‌های شهید حبیب... حسینی و سالاری مقدم تغییر نام داده بودند، مرحوم آیت... حاج سید محمد حسین مصباح‌موسوی با هدف رفع نیاز بهداشتی و درمانی طلاب و اقشار ضعیف و کم‌درآمد جامعه، به‌ویژه زائران حضرت امام رضا^{۱۲}، مجموعه خیریه درمانی امام‌هادی^{۱۲} شامل درمانگاه، بیمارستان و زایشگاه را تأسیس کرد.

اما اجرای طرح نوسازی اطراف حرم مطهر رضوی از میانه دهه ۸۰ به این‌سو، باعث تغییرات بزرگی در ساختار کوچه حاج ابراهیم شد. در جریان این تغییرات، بخش بزرگی از کوچه، حداقل محصوره ابتدایی آن تا بعد از بنای فاطمیه، یعنی حدود صد پلاک به‌صورت کامل در دل پروژه‌های اقامتی تجاری جدید ایجاد شده در اطراف

کوچه گردی



نمایی از کوچه حاج ابراهیم از سمت شارستان شهید شوشتری



نمای کوچه حاج ابراهیم از سمت فرعی سالاری مقدم

که بن بست نبوده و از طریق کوچه قراولخانه آن کوچه‌های متصل‌کننده پایین خیابان به بالاخیابان، می‌پیوسته است.

در این نقشه، کوچه جنوبی‌شمالی حاج ابراهیم در میانه حکومت قاجارها بر ایران، دارای پنج فرعی بوده است که سه فرعی در شرق و دو فرعی در غرب آن قرار داشته‌اند و به جز فرعی‌های دوم، دو سمت کوچه همگی بن بست بوده‌اند. همچنین براساس نقشه دالمج، مهم‌ترین انبیه آن دوران در کوچه حاج ابراهیم، به ترتیب حمام حاج ابراهیم ومنجلب متصل به آن در ابتدای فرعی نخست غربی و تکیه حاجی محمدرضا در ابتدای فرعی دوم غربی بوده است. همچنین در محدوده انتهایی کوچه و محل تلاقی آن با قراولخانه، بنای مشهور قراولخانه اصلی پایین خیابان، قرار داشته است.

حرم مطهر رضوی محو شد. شاخص ترین این پلاک ها، بنای فاطمیه و حمام حاج ابراهیم بودند.

بدین گونه، مسیر ابتدایی کوچه تغییر کرد و ارتباط مستقیم آن با خیابان نواب صفوی قطع شد و به جای آن، مسیری از شارستان شهید شوشتری که دراصل بقایای کوچه فاطمیه است، بخش آغازین کوچه شد. همچنین در محل سابق حمام حاج ابراهیم، پروژه‌ای به نام ابراهیم به اجرا گذاشته شد که لقب کوتاه‌ترین پروژه جدید اطراف حرم مطهر را با داشتن تنها چهار طبقه بنا به خود اختصاص داده است.

اکنون کوچه حاج ابراهیم شامل دو فرعی بن بست در جانب شرقی است که پلاک انتهایی فرعی نخست، یعنی شهید حسینی ۲ قدیمی ترین پلاک موجود در کوچه محسوب می‌شود. در کل کوچه، تنها شش پلاک مسکونی و با احتساب تجاری‌های مجتمع ابراهیم در ابتدای کوچه، چهار پلاک تجاری وجود دارد که همگی در جانب شرقی آن قرار دارند.

دیگر بناهای این‌سوی کوچه، یکی بخش شرقی مجموعه اقامتی تجاری بزرگی است که با استفاده از یک ساباط به ضلع غربی این بنا- که حداقل شارستان شهید شوشتری تا کوچه حاج ابراهیم است- پیونده خورده است و دیگری «مرکز جامع سنجش آموزش توان بخشی و مداخله بهنگام تربیتی نصرا... اخگر، وابسته به آموزش وپروورش ناحیه ۵ مشهد است که در محل دبستان سابق اخگر ایجاد شده است. تنها بنای ضلع غربی کوچه هم علاوه بر آن مجتمع تجاری اقامتی، مجموعه درحال بازسازی و تعمیر بیمارستان و زایشگاه مجتمع خیریه درمانی حضرت امام‌هادی^{۱۲} است.



ایران‌نامه

۱۴ اسفند ۴۲۴ خورشیدی، ناصر خسرو سفر هفت‌ساله خود را آغاز کرد خراسان در ۹۷۸ سال پیش



شیرین سیدی|پنجم مارس سال ۱۰۴۶میلادی(۱۱۴)اسفند ۴۲۴ خورشیدی)، ناصر خسرو قبادیانی، نویسنده، شاعر، فیلسوف و گردشگر ایرانی، سفر ۱۹هزارکیلومتری خود را که تقریباً هفت سال به درازا انجامید، در جهان اسلام آغاز کرد که محصول آن، سفرنامه‌اش بوده است. او سفر تاریخی خود را از شهر مرو در خراسان بزرگ آغاز کرد و توانست اطلاعات دقیق و جامعی از تاریخ، جغرافیا و وضعیت زندگی مردم، جمعیت، طرز حکومت و بناهای تاریخی و اطلاعاتی از این دست را در عبور از هر سرزمین جمع کند و با ثبت در سفرنامه‌اش به یادگار بگذارد. ناصر خسرو در سفر طولانی خود پس از عبور از حاشیه دریای مازندران، از بین‌النهرین، سوریه، حجاز، مصر و نقاط متعدد دیگر نیز دیدن کرده است. او در بخشی از سفرنامه‌اش، برخی شهرهای خراسان قدیم را شرح داده و مردم، زندگی اجتماعی و حتی ظاهر شهرها را در آن، توصیف کرده است. طیس، نخستین شهری است که ناصر خسرو هنگام بازدید از خراسان به آن قدم می‌گذارد.

او طیس را این‌طور وصف کرده است: «طیس شهری انبوه است. اگرچه به روستا نماید و آب اندک باشد و زراعت کمتر کنند، خرماستان‌ها باشد و بساتین و چون از آنجا سوی شمال روند، نیشابور به چهل فرسنگ باشد و چون سوی جنوب به خبیص روند، به راه بیابان، چهل فرسنگ باشد و سوی مشرق، کوهی محکم است. عظیم، ایمن و آسوده بودند مردم آنجا، چنان‌که به شب در سراها نისტندی و ستور در کوی‌ها باشد با آنکه شهر را دیوار نباشد و همچنین دزد و خونی نبود از پاس و عدل او(حاکم). و از آنچه من در عرب و عجم دیدم از عدل و امن، به چهار موضع دیدم؛ یکی به ناحیت دشت در ایام لشکر خان، دوم به دیلمستان در زمان امیر امیران جستان بن ابراهیم، سیوم در ایام المستنصر بالله امیرالمؤمنین، چهارم به طیس در ایام امیر ابوالحسن گیلکی بن محمد و چندان که بگشتم، به ایمنی این چهار موضع ندیدم و نشنیدم و ما را هر هفده روز به طیس نگاه داشت و ضیافت‌ها کرد و به وقت رفتن، صلت فرمود و عذرها خواست. ایزد سبحانه و تعالی از او خشتند باد، رکابداری از آن خود با من فرستاد تا روزن ۷۲ فرسنگ باشد. چون از طیس دوازده فرسنگ بیامدیم، قصبه‌ای بود که آن را رقه می‌گویند. آب‌های روان داشت و زرغ و باغ و درخت و بارو و مسجد آدینه و دیده‌ها و مزارع تمام دارد». فردوس یاتون قدیم، دومین شهر از بلاد خراسان است که در مسیر سفر ناصر خسرو قرار می‌گیرد؛ «میان رقه و تون، بیست فرسنگ است. شهر تون، شهر بزرگ بوده است، اما در آن وقت که من دیدم، اغلب خراب بود و بر صحرایی نهاده است و آب روان و کاریز دارد و بر جانب شرقی، باغ‌های بسیار بود و حماری محکم داشت. گفتند در این شهر، چهارصد کارگاه بوده است که زبلو یافتندی و در شهر درخت بسته بسیار بود در سرای‌ها و مردم بلغ و تخارستان پندارند که پسته جز بر کوه نروید و نباشد».



ناصر خسرو از تون، راه گناباد را پیش می‌گیرد اما کاروانشان در میان راه، گرفتار راهزنان می‌شود، «دزدان بیرون آمدند و بر ما غلبه کردند. چند نفر از بیم، خود را در چاه کاریز افکندند. بعد از آن، یکی را از آن جماعت، پدري مشفق بود، بیامد و یکی را به مزد گرفت و در آن چاه گذاشت تا پسرا و بیرون آورد. چندان ریسمان و رسن که آن جماعت داشتند، حاضر کردند و مردم بسیار بیامدند. هفتصد گز رسن فورفت تا آن مرد به بن چاه رسید، رسن در آن پسر بست و او را مرده برگشیدند و آن مرد(آن که در چاه رفته) چون بیرون آمد، گفت که آبی عظیم در این کاریز روان است و آن کاریز، چهار فرسنگ می‌رود». گویا کشف آب سبب می‌شود حاکم گناباد، دستور احداث قنات بدهد و این موضوع، سبب رونق بیشتر شهر می‌شود. قائن، منزلگاه چهارم این جهانگرد است؛ «قائن، شهری بزرگ و حصین است و گرد شهرستان، خندقی دارد و مسجد آدینه به شهرستان اندر است و آنجا که مقصوره است، طاقی عظیم بزرگ است؛ چنان‌که در خراسان از آن بزرگ‌تر ندیدم و آن طاق نه درخون آن مسجد است و عمارت همه شهر به گنبد است و از قائن چو ن به جانب مشرق شمال روند و به هجده فرسنگی روزن است و جنوبی تا هرات سی فرسنگ. به قائن، مردی دیدم که او را ابو منصور محمد بن دوست می‌گفتند. از هر علمی باخبر بود. از طب و نجوم و منطق...».

این سفر پس از بازدید از سرخس به پایان می‌رسد؛ «دوم جمادی‌الآخر به شهر سرخس رسیدیم و از بصره تا سرخس، ۳۹۰ فرسنگ حساب کردیم. از سرخس به راه رباط جعفری و رباط عمروی و رباط نعمتی که آن هر سه رباط نزدیک هم بر راه است، بیامدیم. دوازدهم جمادی‌الآخر به شهر مروالروذ رسیدیم و بعد از دو روز بیرون شدیم به راه آب گرم. نوزدهم ماه به باریاب رسیدیم. ۳۶ فرسنگ بود و امیر خراسان جعفری بیک ابوسلیمان داوود بن میکائیل بن سلجوق بود و وی به شیورغان بود و سوی مرو خواست رفتن که دارالملک وی بود و ما به سبب نایمنی راه، سوی سنگان رفیم و از آنجا راه بلغ را پیش گرفتیم».

شهریار

۲شنبه
۱۴ اسفند ۱۴۰۲
۳۳شماره ۱۴۴۵
۲۷۱۱ شماره

۱۵



تاریخ و هویت